

نظام سلطه در اندیشه و دیدگاه مقام معظم رهبری

محمد رضا دهشیری^۱

امیر حسین سلامت^۲

چکیده

مبارزه با نظام سلطه و استکبار از اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی بوده و هست. و شاید بتوان مهمترین دشمن این انقلاب را همین نظام سلطه دانست. آشنایی با ماهیت نظام سلطه و استکباری و ویژگیها و نحوه عملکرد آن خصوصا از دیدگاه رهبر معظم انقلاب که پرچم دار مبارزه با نظام سلطه است از ضروریات بارز انقلاب اسلامی است. فلذا در مقاله حاضر، دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد نظام سلطه با استناد به بیانات و مکتوبات ایشان، مورد بررسی قرار گرفته است. از منظر مقام معظم رهبری، نظام سلطه ویژگیهایی همچون سیاست کلان؛ بردگی ملت‌ها، تحمیل رویکردها به سایر ملل، پیشرفت سلطه‌گران، تبلیغات و بزرگنمایی، تهدید و ارباب ملت‌ها، دفاع از اسرائیل، متکی به بنگاه‌های بزرگ اقتصادی جهان، ریاکاری و نفاق دارد و ابزار نظام سلطه جهانی از دیدگاه رهبری شامل ابزارهای فرهنگی و تبلیغی، حقوق بشر، علم و فن آوری، سازمان بین‌المللی، ابزارهای اقتصادی، مداخله نظامی و ابزارهای امنیتی می‌باشد. موضع جمهوری اسلامی در برابر نظام سلطه در دیدگاه رهبری، گفتمان نظام اسلامی، فریاد و افشاگری علیه ظلم و سلطه، عدم پذیرش نظام سلطه‌گر سلطه‌پذیر و نابودی سلطه، تولید علم و تقویت ایمان، حفظ شعارهای ضد آمریکایی و مبارزه‌ی دائمی است. از دیدگاه ایشان، مبارزه‌ی با استکبار و نظام سلطه تعطیل‌پذیر نبوده و حتی جزو کارهای اساسی و جزو مبانی انقلاب است.

واژه‌گان کلیدی: مقام معظم رهبری، نظام سلطه، استکبار، ظلم، آمریکا، مبارزه.

۱- دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Mohammadreza_Dehshiri@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

مقدمه

استکبار معنای وسیعی دارد. در قرآن هم شاخه‌ها و مشتقات استکبار به کار رفته است. مکرر، خود کلمه استکبار هم در قرآن به کار رفته است. به نظر می‌رسد که استکبار غیر از تکبر است. شاید این جور بشود گفت که تکبر بیشتر اشاره می‌کند به یک صفت قلبی و روحی، یعنی انسان خود را برتر از دیگران بداند یا بگیرد. استکبار بیشتر به جنبه عملی این تکبر توجه دارد. یعنی کسی که کبر می‌ورزد و خود را بالاتر از دیگران می‌داند، حالا در رفتار خود با دیگران هم، جوری کار را سازماندهی می‌کند که این تکبر در عمل مشخص و واضح می‌شود، دیگران را حقیر می‌کند، به دیگران اهانت می‌کند، در کار دیگران دخالت می‌کند، برای دیگران به عنوان تصمیم‌گیرنده ظاهر می‌شود، این می‌شود استکبار (بیانات رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان در آستانه سیزدهم آبان و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۷۵/۸/۹). مفهوم استکبار در قرآن همین است که عنصری یا شخصی یا جمعی یا جناحی، خود را بالاتر از حق به حساب آورد و زیر بار حق نرود و خود و قدرتش را ملاک حق قرار بدهد (دیدار با دانش آموزان و دانشجویان در آستانه ۱۳ آبان، ۱۳۸۲/۸/۱۰).

جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای از دولت اسلامی به شمار می‌رود، و براساس احترام متقابل با تمام کشورهای جهان رابطه دارد. به همین دلیل، به دنبال سلطه یافتن بر دیگر سایر دولت‌ها نیست و سلطه‌گری و زورگویی را از هیچ قدرتی نمی‌پذیرد. (علی دادستان بیرکی، ۱۳۸۱: ۱۹ - ۲۲) امام خمینی (ره) این اصل را در روابط خارجی دولت اسلامی چنین تبیین فرموده است: تمام کشورها اگر احترام ما را حفظ کنند، ما هم احترام متقابل را حفظ خواهیم کرد و اگر دولت‌ها و کشورها بخواهند به ما تحمیلی بکنند، از آن‌ها قبول نخواهیم کرد. نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۳۸).

حضرت امام(ره) در تحریرالوسیله در مورد نفی سلطه سیاسی کافران نوشته‌اند است: لو كانت الروابط السياسه بين الدول الاسلاميه و الاجناب موجهه لاستيلائهم علی بلادهم او نفوسهم او اموالهم او موجهه لاسرهم السياسی یحرم علی روسا الدول تلك الروابط و المناسبات و بطلت عقدها و یحب علی المسلمین ارشادهم و الزامهم بتركها و لو بالمقاومه المنقبیه. (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱: ۴۸۶) بنابراین، اگر روابط سیاسی با دیگر دولت‌ها سبب سلطه آن‌ها یا وابستگی سیاسی دولت اسلامی شود، برقراری چنین روابطی حرام است و حتی اگر معاهده‌ای منعقد شده باشد، باطل است. البته بطلان به خاطر خیانتی است که برخی سران دولت‌ها می‌کنند و گرنه اگر عقدی به صورت صحیح منعقد شده باشد، نمی‌توان حکم به بطلان آن داد.

حضرت امام خمینی(ره) درباره روابط اقتصادی دولت اسلامی آورده است: اگر در برقراری رابطه تجاری دولت اسلامی یا تجار، با بعضی از دولت‌ها یا تجار، بازار مسلمین و حیات اقتصادی آنها مورد تهدید باشد، ترک این روابط، واجب است و این تجارت، حرام است و بر رهبران دینی است که کالاهای آنها و تجارت با آن‌ها را تحریم نمایند و بر امت اسلامی نیز تبعیت از علما واجب است. (همان، ۴۸۷) ایشان در این حکم، براساس قاعده نفی سبیل، روابط تجاری را که مایه سلطه بیگانگان بر حیات اقتصادی مسلمانان شود، حرام می‌داند. از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) هر نوع رابطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی اگر موجب سلطه اجانب بر مسلمانان و کشورهای اسلامی شود، به دلیل این که استعمار را نیز در پی خواهد داشت، حرام است و باید از آن پرهیز کرد. (همان، ۴۸۶)

در دکترین آیت‌الله خامنه‌ای اساس سیاست خارجی این است که ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را به عنوان یک ستون مسأله در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم و این فکر را در دنیا ترویج و منعکس نماییم. در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی نقش و جایگاه رهبری از بالاترین درجه‌ی اهمیت برخوردار بوده و طبق اصل صدوهفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: رهبری منتخب

خبرگان، ولایت امر و همه‌ی مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. علاوه بر ظرفیت‌های حقوقی و ساختاری مربوط به جایگاه و نقش بی‌بدیل رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، نگارنده‌ی این سطور بر این باور است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از یک دکتترین نظام‌مند در حوزه‌ی سیاست خارجی برخوردارند که دارای یک هسته‌ی مرکزی و نقاط کانونی شکل‌گرفته‌ی پیرامون آن است. با رجوع به بیانات و گفتارهای ایشان می‌توان به این نتیجه رسید که «ضدیت با نظام سلطه» را می‌توان به عنوان هسته‌ی مرکزی دکتترین ایشان در نظر گرفت. ضدیت با سلطه در دکتترین ایشان، هم ناظر بر بُعد اسلامی و دینی است که خداوند متعال به صراحت در آیه‌ی ۱۴۱ سوره‌ی نساء فرموده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و هم ناظر بر ابعاد ژئوپولیتیکی و معطوف به لزوم ارتقای جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌المللی مبتنی بر سلطه و نظم شکل‌گرفته پس از جنگ‌های جهانی و جنگ سرد است.

اساسی‌ترین سوال پژوهش حاضر عبارتست از: اندیشه‌ها و دیدگاه مقام معظم رهبری نسبت به نظام سلطه چیست؟

نظام سلطه

«نظام سلطه» در این دوران، به سیستم و مجموعه‌ای از دولت‌ها اطلاق می‌شود که با شیوه سلطه‌جویی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بر دیگر کشورها، حقوق و منافع آنان را نادیده گرفته و منافع خود را ترجیح می‌دهند. هدف نظام سلطه این است که از طریق ایدئولوژی حاکم، و ترجیح منافع، بر مداخله در امور دیگر کشورها حقانیت داده شود. در نظام سلطه، مسائل جهانی با توجه به منافع ملی قدرت‌های بزرگ طبقه‌بندی می‌شود. مشروع ساختن منافع آنان به هر غیمتی (علی بابایی، ۱۳۸۸: ۳۴۳) حلقه اول نظام سلطه، دولت ایالات متحده آمریکا است. حلقه دوم نظام سلطه، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به ویژه دولت‌های انگلیس و فرانسه که قدرت‌های صاحب حق وتو می‌باشند و تا حدودی

آلمان، قرار گرفته‌اند. در حلقه بعدی، دولت‌های توسعه‌یافته و غیرغربی همچون روسیه، ژاپن و چین قرار دارند. حلقه آخر نظام سلطه، دولت‌های وابسته و تحت نفوذ در میان کشورهای در حال رشد هستند که دوام و بقای خود را در پشتیبانی و حمایت از نظام سلطه می‌بینند و به‌عنوان مهره‌های نظام سلطه، عمل می‌کنند. این نظام شیطانی، کاملاً با صهیونیسم جهانی همپوشانی دارد (محمدی، ۱۳۸۸).

تعریف نظام سلطه از دیدگاه رهبر:

نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه‌ی رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم میشوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتّفاقی که امروز در دنیا افتاده [این است]؛ یک عدّه‌ای سلطه‌گرند، یک عدّه سلطه‌پذیرند. (حدیث ولایت، ۲۰/۰۴/۱۳۹۴).

از لحاظ سیاسی، سلطه‌گری یعنی سرنوشت یک ملت را در دست گرفتن. نظام سلطه، نظامی است که مثل بختک سنگینی روی پیکر جامعه‌ی بشری می‌افتد. (حدیث ولایت، ۰۸/۰۶/۱۳۸۴).

نظام سلطه یعنی اینکه چند قدرت دست‌یافته‌ی به توانایی مادی و سلاح و پول و امثال اینها بخواهند بر دنیا حکومت کنند؛ مظهر نظام سلطه هم امروز آمریکا است. (حدیث ولایت، ۲۸/۱۱/۱۳۹۲).

حکومت نظام سلطه از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری با توجه به نقش و قدرت کشورهای بزرگ در نظام بین‌الملل معتقدند، ساختار نظام بین‌الملل تحت تاثیر بازی قدرتهای استکباری بوده است و آنچه ماهیت نظام بین‌المللی را شکل می‌دهد عبارت از نظام سلطه جهانی است:

امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است. این یک نظام جهانی است. تسلط نظام سلطه بر دنیا و زندگی بشر، دو طرف دارد. یک طرف، سلطه گرها که همان ابرقدرتهایند، و طرف دیگر، دولتهای سلطه پذیر هستند که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه ابرقدرتها را قبول می‌کنند، اینها هم خودشان شریک جرمند (بیانات معظم له در تاریخ، ۲۵ / ۴ / ۶۸). ایشان می‌فرمایند: ((ما در نظام سلطه طرفین را مقصر می‌دانیم، هم سلطه گر و هم سلطه پذیر را، استکبار به معنای همین نظام سلطه ای است.)) (بیانات در تاریخ ۱۰ / ۸ / ۶۸) همچنین:

در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر تواناییهای سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض آمیز به نوع بشر، مجموعه های بزرگ انسانی، یعنی ملتها و دولتها و کشورها، را با سیطره ای قلدرانه و تحقیرآمیز به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد، در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست اندازی می‌کند، به دولتها زور می‌گوید و به ملتها ستم می‌ورزد و به فرهنگها و سنتهای آنان اهانت روا می‌دارد (بیانات در مراسم گشایش اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۶۹/۹/۱۸).

از دیدگاه ایشان استکبار جهانی ((یعنی آن قدرت مسلطی که به انسانها عقیده ندارند حقوق انسانها را قبول ندارد معتقد به منطق زور است، معتقد به تجاوز است)). (بیانات نماز جمعه در مصلاای گناباد، ۶۴/۶/۸)

استکبار جهانی یک دولت فقط نیست، استکبار جهانی یک مجموعه قدرت است و این مجموعه های قدرت ... صددرصد متشکل و متحد نیستند ... در درون خود این مجموعه اختلافات، درگیریها، دوگانگی های فراوانی هست. منتهی یک نقاط مشترک اساسی بین اجزاء این مجموعه وجود دارد. که به هر صورت وقتی یک ملتی و یک کشوری ... در مقابل منافع این مجموعه قیام می‌کند... همه

این مجموعه متحد در مقابل او صف آرایی کنند(دیدار با دانشجویان سراسر کشور در مشهد، ۱۳۷۵/۵/۲۰).

مقام معظم رهبری تفکر حاکم بر استکبار جهانی را تفکر قدرت می دانند که در پی اعمال سلطه بر ملتها و انسانهاست و کمترین حقی برای آنها قائل نمی باشند:

در دنیا استکبار جهانی و تفکری که بر استکبار جهانی و بر گروههایی که تابع آنهایند حاکم است ((تفکر قدرت)) است ، اصلاً برای ملتی که قدرت نداشته باشد حق حیات قابل نیست ! برای ملتهای جهان سوم ... هیچ حق حیاتی قایل نیستند... بدون ... کمترین اعتنایی به نظر آنها... برایشان تصمیم می گیرند... (دیدار با مسئولان و روحانیون قزوین، ۱۳۶۴/۴/۱۱).

از این دیدگاه ، استکبار جهانی حیات خود را در اعمال سلطه بر ملتها می داند؛ لذا در پی تصرف قدرت سیاسی آنها است ، به گونه ای که انسانها مطیع قدرت استکباری باشند: (دیدار با مردم طبس، ۶۷/۶/۳)

امروز همه می دانند که فکر استکبار چیست؟ فکر اینها، سلطه بر همه عالم است... فکر استکباری، دنبالش نقشه هاست، این نقشه های ضد مردمی و ضد اسلامی، سروکارش با انسانهاست. (دیدار با دانشجویان و دانش آموزان، ۱۳۷۰ / ۸ / ۱۵)

این که دولتی در آن سر دنیا به خود حق می دهد علیرغم منافع ملتهای منطقه، منافع خودش را تامین کند، این همان روح استکبار است و چیز دیگری نیست. این که دولتی به خود حق می دهد که اگر دولتی مخالف او بود، صریحاً و علناً و بدون هیچ خجالتی بگوید، من او را برمی اندازم، این روح استکبار است.

براساس دیدگاه مقام عظمای ولایت، آنچه در نظام سلطه حیاتی و برای نظام استکباری اهمیت دارد، پذیرش این نظام از دو طرف سلطه گر و سلطه پذیر است:

نظام سلطه در پشت سر خود فرهنگ سلطه را دارد. امروز دنیا به دو قطب و دو گروه تقسیم می‌شود: یک گروه مسلطها، یک گروه تحت سلطه‌ها. هر دو گروه هم نظام سلطه را پذیرفته‌اند. هم قدرتهای بزرگ معتقدند و باور دارند که این سلطه و این نظام تسلط باید برقرار باشد و هم آن کسانی که زیر سلطه هستند، پذیرفتند و قبول کردند و تسلیم شدند که این نظام سلطه وجود داشته باشد. این بزرگ‌ترین عیب و اشکال در وضع کنونی جهان است! (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه اسلامی، ۹ / ۱۱ / ۶۵)

و در بررسی ماهیت نظام سلطه جهانی، بر طبیعی جلوه دادن این نظام از جانب قدرتهای بزرگ و حق به جانب بودن آنها در اعمال سلطه اشاره دارند:

گویی خدای دنیا، معاذالله، جباران و زورگویان و چپاولگران و ابرقدرتها و جنایتکاران اند و استضعاف و استعباد و استثمار خلائق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلم آنهاست و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده بی مهار آنان تسلیم باشند و اعتراض نکنند، چرا که وعاظ السلاطین و نوادگان بلعم باعورا، فریاد بر خواهند آورد که دخالت در سیاست کردید و اسلام را چه به سیاست! (بیانات در تاریخ ۱۴ / ۴ / ۶۸)

ایشان با توجه به سیری ناپذیری سلطه طلبی و قدرت خواهی قدرتهای بزرگ بیان می‌دارند که ((قدرتهای مادی، حدی برای خود قائل نیستند، زندگی ملتها در زیر پنجه های قدرت قدرتهای مادی مثل زندگی معنوی آنها، در هم کوبیده می‌شود)). (حدیث ولایت ج ۹: ۸۵)

شریر واقعی و درجه اول، ابرقدرتها هستند، یعنی حکومتها و سردمدارانی که بخشی از دنیا در قبضه قدرت آنهاست و در امور ملتها هم غیر از ملت خودشان دخالت می‌کنند. (بیانات در تاریخ ۲ / ۱ / ۶۹).

از دیدگاه مقام عظمای ولایت، مساله ابر قدرتها، سیطره بر عالم است و قدرتهای بزرگ برای کسب انرژی، نفت و گاز، بازار و فروش محصولات خود در پی اعمال سیطره و نفوذ خود بر جهان هستند (بیانات در تاریخ ۸/۱۱/۸۰): در سر تا سر دنیا، چند قدرت بزرگ هستند که مثل قلدرهای یک محله و گردن کلفت‌های یک آبادی عمل می‌کنند و بقیه مجبورند به آنها باج بدهند و از آنها اطاعت کنند و آنها را ملاحظه نمایند (بیانات در تاریخ ۱/۹/۶۷).

و درباره وضعیت کنونی نظام بین‌المللی و اعمال سلطه قدرتهای بزرگ بر منابع ثروت و اقتصاد جهان می‌فرمایند:

قدرتهای بزرگ مایلند که ملتها بدون اجازه آنها نفس نکشند و ثروت و معادن و منابعشان به جای اینکه به درد خود ملتها بخورد، به کار آنها بیاید... ابرقدرتها می‌گویند آن مقدار که ما می‌گوییم، نفت بفروشید و به کسی که ما می‌گوییم و به قیمتی که ما تعیین می‌کنیم، عرضه کنید. (بیانات در تاریخ ۲۵/۴/۶۸)

ایشان با توجه به رقابت شدید قدرتهای سلطه‌گر می‌فرمایند:

...این جنگل وحشی و غوغای سلطه‌گری که قدرتها با همدیگر بدند و از خودشان می‌ترسند و حساب می‌برند و آتش بس پنهانی را بین خود برقرار کرده اند تا دنیا را راحت‌تر تقسیم کنند و منابع کشورها را به غارت ببرند... (بیانات در تاریخ ۲۵/۴/۶۸).
همچنین در زمینه رابطه قدرتهای استکباری با ملتها و نوع برخورد آنها با ملتها می‌فرمایند:

هر ملت و دعوت و نظامی که فرهنگ سلطه‌جهانی را قبول کند، استکبار با او می‌تواند بسازد و با او بحثی ندارد. هر فرهنگ و ملت و نظامی که فرهنگ سلطه، یعنی حاکمیت خداوندان زر و زور و امپراتوریهای قدرت جهانی را رد کند او در نظر و چشم آنها مبعوض است (بیانات در تاریخ ۱۲/۱۱/۶۸).

ویژگی‌های نظام سلطه از دیدگاه رهبر:

سیاست کلان؛ بردگی ملت‌ها

سیاست کلان نظام سلطه، عبارت است از بردگی ملت‌ها و تسلط بر سرنوشت ملت‌ها بدون اینکه کمترین اعتنایی به مصالح ملت‌ها و خواسته‌ی آحاد ملت‌ها داشته باشند؛ این سیاست کلان استکبار است؛ (حدیث ولایت، ۱۳۹۳/۰۵/۰۱).

تحمیل رویکردها به سایر ملل

یعنی دولت‌ها، نمایندگان مجالس، تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان، به قول خودشان اتاقهای فکر، به همه‌ی این‌ها می‌خواهند آن کلیشه‌های خودشان را تحمیل کنند و آن را وارد ذهن آنها و فضای ذهنی آنها بکنند. مایلند همه، جهان را از منظر آنها ببینند؛ مفاهیمی را که آنها بر روی آن تکیه می‌کنند، با همان رویکرد آنها، با همان نگاه آنها تشخیص بدهند و بشناسند. این رویکرد، رویکرد سلطه‌طلبانه است؛ (حدیث ولایت، ۱۳۹۴/۰۶/۱۲).

پیشرفت سلطه‌گران

امروز ابزارهای سلطه، قابل مقایسه با صد سال پیش و هزار سال پیش و پنج هزار سال پیش نیست؛ لذا سلطه‌گران امکان تسلط بیشتری بر مظلومان و بر مستضعفان دارند و از این امکان دارند به‌طور کامل استفاده می‌کنند؛ منابع را می‌برند، فرهنگ‌ها را نابود می‌کنند، انسان‌ها را تذلیل می‌کنند، در بین ملت‌های مظلوم و محروم گرسنگی را گسترش می‌دهند؛ و فجایع فراوان دیگر. (حدیث ولایت، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷).

تبلیغات و بزرگنمایی

تظاهر ابرقدرتها به اقتدار، بیش از اقتدار واقعی آنهاست. (حدیث ولایت، ۱۳۸۴/۰۲/۰۶)

تهدید و ارباب ملت‌ها

ابرقدرت، شأن خود را در تهدید کردن می‌داند. قدرت سلطه‌گر و زورگو کارش با تهدید پیش می‌رود و ملت‌های دنیا و خیلی از دولت‌ها متأسفانه در مقابل تهدیدهای این‌ها کوتاه می‌آیند و این‌ها را بیشتر بر امور خودشان مسلط می‌کنند. (حدیث ولایت، ۱۳۸۴/۰۱/۰۱).

دفاع از اسرائیل

امروز قدرتهای سلطه گر غربی - یعنی چند دولت بزرگ و ثروتمند و مقتدر غربی که در رأس آنها آمریکا است، پشت سرش هم انگلیس خبیث - محکم ایستاده اند برای اینکه از این رژیم غاصب و ظالم و سنگدل دفاع کنند؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. صریح دارند حمایت میکنند. (حدیث ولایت، ۱۳۹۳/۰۵/۰۱)

متکی به بنگاه های بزرگ اقتصادی جهان

نقطه‌ی مقابل آن، یک گفتمان ظالمانه، زورگویانه، متکبرانه و خودخواهانه است از سوی قدرتهای انحصارطلب عالم، قدرتهای سلطه گر عالم که متکی به بنگاه‌های اقتصادی بزرگ جهانند؛ همیشه‌ی دنیا بوده‌اند، امروز هم هستند؛ (حدیث ولایت، ۱۳۹۴/۰۲/۳۰).

ریاکار و منافق

در گذشته با صراحت و وقاحت آشکار زبانی، حقیقت خودشان را نشان میدادند؛ امروز در پوششهای گوناگون الفاظ زیبا، مثل حقوق بشر، مثل عدم خشونت و امثال اینها، منافقانه و ریاکارانه کار خودشان را پیش میبرند؛ (حدیث ولایت، ۱۳۹۴/۰۲/۳۰).

ابزار نظام سلطه جهانی از دیدگاه رهبری

قدرتهای بزرگ و نظام سلطه جهانی برای اعمال قدرت و دستیابی به اهداف خود از ابزارها، فنون و شگردهای متعددی استفاده می نماید که هر یک می تواند به حفظ وضع موجود و افزایشی وابستگی و نابرابری میان قدرتهای سلطه گر و سلطه پذیر کمک نماید. در شرایط فعلی آمریکا در راس نظام سلطه قرار دارد و عمده ترین هدف این کشور، ادامه سلطه بر سرتاسر دنیا و غارت و چپاول همه جانبه جهان - به خصوص جهان سوم - است. ابزارهایی که سردمداران نظام سلطه آمریکا، از آنها بهره می گیرد، متعدد و متنوع است، که با نگاهی گذرا و اجمالی، به مهم ترین آنها اشاره و دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد ابزارهای سلطه بیان شده است:

- ابزارهای فرهنگی و تبلیغی:

یکی از راه‌های نفوذ نظام سلطه به کارگیری شیوه‌های فرهنگی و تبلیغی است. سلاح تبلیغ و قلم، برنده تر و کارسازتر از هر سلاحی است. این شیوه ممکن است در کوتاه مدت، نتیجه دلخواه را به همراه نیاورد، ولی تجربیات تاریخی نشان داده است که تاثیر آن صد در صد و یا نزدیک به آن است. شکست مسلمانان اندلس - اسپانیای فعلی در مقابل تهاجم فرهنگی غرب، نمونه ای از تاثیر شگرف این سلاح است. ابزار فرهنگی به طور معمول، آخرین سلاحی است که به کار گرفته می شود. زیرا دشمن همیشه می خواهد در کوتاه ترین زمان به هدف‌های خود برسد. بنابراین ابتدا راه‌های کوتاه سیاسی، اقتصادی و نظامی را بر می‌گزیند و هرگاه از موفقیت این راه‌ها مایوس شود، به ابزارهای فرهنگی متوسل می‌شود. راه‌های نفوذ فرهنگی بسیار متعدد و متنوع است و امروزه وسایل ارتباط جمعی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، بر پیچیدگی و کارآیی این شیوه‌ها افزوده است. فراهم آوردن امکانات تحصیل و تدریس برای دانشجویان و استادان کشورهای جهان سوم، اجرای برنامه‌های رادیویی به زبان ملی و محلی، ترجمه و انتشار کتاب‌های مورد نظر، ایجاد کتابخانه‌های عمومی، تاسیس و اداره مطبوعات و نشریات، کمک مالی به برنامه‌های فرهنگی، آموزش زبان انگلیسی، برگزاری مهمانی‌ها، انتشار مقالات و پوسترها و پخش فیلم‌های ماهواره‌ای، از جمله روش‌های فرهنگی است که برای نفوذ در افکار و عقاید و رفتار مردم و مسئولان اجرایی کشورهای مختلف جهان، از سوی نظام سلطه به اجرا در می‌آید. مؤلف کتاب سیاست خارجی آمریکا و شاه در مورد تاثیر این ابزارها می‌نویسد: «احتمالاً مهم‌ترین این اقدامات برنامه‌هایی بودند که ایرانیان را قادر به تحصیل در آمریکا ساختند؛ زیرا به پرورش یک قشر تکنوکرات از طبقه متوسط امروزی کمک کردند که نفرات دیوانسالاری دولت را تامین می‌کرد و حسابی پشتیبان شاه بود.» (گاز یوروسکی، ۱۳۸۱)

استعمارگران با نشان دادن ترقی و پیشرفت خود، فرهنگ‌های جهان سوم را برای دستیابی به توسعه، ناتوان معرفی می‌کنند، و یا با نفوذ و سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش

کشورها، افراد تربیت شده را در اختیار خود می گیرند، و یا با تبلیغ تفکر ملی گرایی پیوندهای دینی جامعه را از بین می برند، و میهن دوستی بدون پایبندی به مذهب را رواج می دهند و مذهب را امری فردی و ذهنی معرفی می کنند. در نتیجه، فضای فرهنگی کشور مورد نظر را به گونه‌ای ترسیم می کنند که به آسانی می توانند به اهداف سلطه جویانه خود دست یابند(الهی، ۱۳۸۷).

امروز وقتی که بر سر مشکلات بشریت بحث می شود، استکبار، ... سراغ چیزهایی می روند که بلیه ها و دردهای درجه دوم بشر است، برای این که دردهای درجه اول بشر را در سایه قرار بدهند و کسی متوجه آنها نشود.... بحث می کنند برای اینکه مساله اتم و جنگ اتمی و محیط زیست را در دنیا اصلاح کنند، امروز مگر مسائل اولی بشر اینهاست؟ امروز برای بشریت، خطر اتم، یک خطر فوری و فوری و نقدی نیست، آن خطری که خطر اتم هم پشت سر و تابع آن است، خطر قدرت و زورگویی استکباری است(دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۸ / ۷۰ / ۱۱).

((امروزه مهم ترین شگرد دشمنی استکبار جهانی ، در کیفیت تبلیغات اوست ... ما امروز با ترفندهای تبلیغاتی مواجه هستیم)): (بیانات در تاریخ ۷ / ۹ / ۱۳۶۹).

امور دستگاههای تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها اینجور در سطح عالم تبلیغ می کنند. که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه کنونی نیست . با فکر انقلاب مبارزه می کنند؛ با آرمانگرایی مبارزه می کنند. می خواهند ملتها را قانع کنند، متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس العملی نشان ندهند. (دیدار با اقشار مردم به مناسبت نیمه شعبان ، ۳۰ / ۷ / ۸۱).

سالهای سال، تبلیغات غربی و استکباری وانمود می کرد که دین مایه تخدیر و انزوا و دنیا گریزی افراد جامعه است آنها می گفتند، دین، تریاک و افیون ملتهاست.)) (بیانات در تاریخ ۱۸ / ۳ / ۶۸) از سوی دیگر ((امواج رادیویی و این بوقهای قوی برای آنها

وسيله ای است برای این که توی دل ملتها را خالی کنند. برای خودشان قدرتهای کاذب درست کنند. آبروهای مخدوش شده به خاطر ظلمها و قساوتهایشان را با تبلیغات جبران کنند)). (بیانات مقام معظم رهبری در کمال آباد کرج، ۶/۸/۶۳).

- حقوق بشر:

ما به ادعاهای طرفداری از حقوق بشر، که امروز از طرف دولتها و سازمانهای وابسته به ابرقدرتها در دنیا اعلام می شود، کوچک ترین اعتقادی نداریم. ما اینها را فریب و خدعه و دروغ می دانیم. ما معتقدیم تروریسم در دامن رژیم امریکا و بسیاری از حکومتهای غربی و قدرتهای زورگویی جهانی پرورش می یابد و رشد می کند (بیانات در تاریخ ۷/۴/۱۳۶۸).

و با توجه به دفاع امریکا از حقوق بشر بیان می دارند:

دفاع امثال امریکا از حقوق بشر، برای ملتها و مظلومان دنیا، هم خنده آور است و هم گریه آور است! از طرفی، خنده آور و مضحکه است، چون خودِ نقض کنندگان درجه اول حقوق بشر، سنگِ حقوق بشر را به سینه می زنند... از طرف دیگر، گریه آور هم است، برای بشریت، مصیبتی از این بالاتر نیست که مفاهیم و ارزشهای انسانی، این طور در دست و پای این سیاستبازان خبیث بیفتند! (بیانات در تاریخ ۷/۹/۱۳۶۹)

- علم و فن آوری:

مقام معظم رهبری با توجه به این نکته که ((علم وسیله قدرت و وسیله ثروت است)) (در جمع انجمن اسلامی معلمان سراسر کشور، ۶/۶/۶۲) می فرمایند:
...علم با ارزش است و از جمله عواملی که ارزش علم را بیشتر می کند، این است که علم با غایت مشخصی و با هدفهای مشخصی که بر طبق نیازها تنظیم شده است به طرف پیشرفت و توسعه سیر کند. (در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی، ۲۲/۲/۸۲).

... علم و عقل، ابزار دو جنبه ای است که می تواند در خدمت ارزشها قرار بگیرد، می تواند در خدمت سببیت و حیوانیت قرار بگیرد. بستگی دارد که مدیریت علم با چه کسی است اگر مدیریت علم به دست انسانهای دنیا طلب و قدرت طلب و زراندوز و سلطه طلب بود، همین می شود که شما امروز در دنیا مشاهده می کنید. یعنی علم ابزاری برای استعمار، استثمار، تحقیر ملتها و اشغالگری و ... خواهد شد.

استفاده ابزاری از علم و فن آوری در قرن بیست و یکم از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار گردیده است که ما در عصر ارتباطات اطلاعات رسانه ها و اینترنت شاهد آن هستیم:

... از لحاظ ابزار قدرت امروز... با سابق فرق می کند. علم قطعاً امروز از ابزار قدرت سیاسی است. فرض بفرمایید که به وسیله ماهواره، به وسیله ابزارهای کامپیوتری، به وسیله همین شبکه های عظیم اطلاع رسانی در دنیا مثل همین اینترنت و دیگر چیزها می توانند خواسته های خودشان را که هر جایی از اعماق این عالم بزرگ که بخواهند برسانند. این از ابزار سلطه سیاسی است. سابق اینجور نبود (دیدار با اعضای هیات علمی و کارشناسان جهاد سازندگی، ۴ / ۱ / ۸۳).

- سازمان بین المللی:

نظام سلطه به خود حق می دهد که سازمانهای بین المللی را زیر فشار خود قرار دهد. نمونه حاضر آن فشار امریکا بر شواری امنیت و یونسکو است. نظام سلطه منافع سلطه گران را مطلق و موجب نادیده انگاشتن منافع دیگران می شود. نمونه آن حضور تشنج زا و خطر آفرین ناوهای امریکا در خلیج فارس است که به استدلال حفظ منافع امریکا و بدون توجه به منافع کشورهای منطقه انجام گرفته است (دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۵ / ۱۱ / ۷۶).

- ابزارهای اقتصادی:

شرکت‌های چند ملیتی، از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی برای نفوذ نظام سلطه در جهان محسوب می‌شوند. این شرکت‌ها مجموعه‌ای از کارتل‌ها، تراست‌ها، و شرکت‌ها هستند. مرکز اصلی شرکت‌های چند ملیتی در یک کشور قرار دارد و شعبات دیگر آن در سایر کشورها تاسیس می‌گردد. این شرکت‌ها دارای منابع مالی و پولی زیادی هستند. در نتیجه، نقش عمده آنها مربوط به سرمایه‌گذاری در سایر کشورهاست. اما در واقع برای تولید محصولات مختلف در کشورهای جهان سوم، سرمایه‌گذاری می‌کنند و سود به دست آمده را از آن کشورها خارج می‌نمایند. به قول مؤلف کتاب امپریالیسم (تئوری، تاریخ، جهان سوم): «وقت آن رسیده است که این افسانه را که شرکت‌های خارجی، سرمایه در اختیار کشورهای جهان سوم می‌گذارند، کنار بگذاریم.» (هریمگداف، ۱۳۸۹).

شرکت‌های چند ملیتی در جهان سوم از تاسیس صنایع مادر جلوگیری می‌نمایند؛ زیرا این صنایع نقش عمده‌ای در پیشرفت اقتصادی هر کشور دارند. اکثر کارخانه‌هایی را که شرکت‌های چند ملیتی در جهان سوم می‌سازند، مربوط به صنایع مونتاژ است که با قطع رابطه شرکت چند ملیتی با کشور دارنده کارخانه مونتاژ، تولید تعطیل می‌شود و شمار زیادی بیکار بر روی دست کشور جهان سوم باقی می‌ماند. این شرکت‌ها برای هر چه بیشتر وابسته نمودن کشورهای جهان سوم به کشورهای غربی، از شیوه‌های دیگری هم استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، به هر گونه اختراع و اکتشافی دست یابند، آن را به نام خود ثبت می‌نمایند تا به آسانی در اختیار جهان سوم قرار نگیرد. یا با در اختیار گرفتن امتیاز یک کالا به صورت انحصارات بین‌المللی، کشور جهان سوم را از مزایای آن محروم می‌سازند. امتیاز تباکور که در زمان ناصرالدین شاه به یک خارجی تبعه انگلیس داده شد، نمونه‌ای برای این مورد است (هریمگداف، ۱۳۸۹).

«دامپینگ» شیوه دیگری است که شرکت‌های چند ملیتی از آن استفاده می‌کنند. این شرکت‌ها برای از بین بردن شرکت‌های تولیدی یک کشور جهان سوم، ابتدا کالاهای ارزان قیمت وارد بازار داخلی می‌نمایند و وقتی که به این طریق تولیدکننده داخلی نابود

شد، قیمت کالاهای خود را افزایش می دهند. تحریم های اقتصادی، قطع اعتبارات بانکی و یا تاخیر در پرداخت آن، دادن وام های سنگین با بهره بالا، مبادله نابرابر، بالا بردن قیمت کالای غربی و پایین بودن ارزش مواد خام اولیه جهان سوم، تک محصولی کردن کشورها و... دیگر ابزارهای نظام سلطه است که از طریق شرکت های چند ملیتی، برای به زانو در آوردن کشورهای ضعیف و کوچک به اجرا در می آید. سلطه در زمینه اقتصادی، شیوه دیگری هم دارد و آن به وجود آوردن گرسنگی مصنوعی است. هر چند این نکته به نظر بسیار عجیب و غیر واقعی می نماید، اما شکی نیست که: «گرسنگی در جهان سوم، نتیجه مستقیم مکانیزه شدن هر چه بیشتر کشاورزی در کشورهای صنعتی است». نظام سلطه برای حفظ و گسترش نفوذ و سلطه خود از ابزارهای دیگر اقتصادی نیز چون خرید سهام شرکت های داخلی، تحمیل الگوهای سرمایه گذاری و تولید، پرورش نخبگان اقتصادی از دانشجویان اعزامی آن کشور به کشورهای غربی، متلاشی کردن اقتصاد ملی و سنتی به شکل های مختلف (مانند به وجود آوردن جاذبه های شهری و سوق دادن پول و خدمات به سمت مصارف شهری و در نتیجه ایجاد مهاجرت روستاییان به شهرها) و توسعه شغل های کاذب از طریق تبلیغات و... استفاده می کند (داتا، ۱۳۸۸).

خیال نکنید که طواغیت عالم به مردم کمک نمی کنند؛ به مردم کمک می کنند، اما کمک آنها برای خاطر احترام به مردم نیست، برای خاطر کمک به مستضعفان نیست، برای خاطر غبن یا کسب یک موقعیت برای خودشان است. لذا قرآن می فرماید: *أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ* (جائیه / ۴۵) آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را خدای خود قرار می دهد؟ (بیانات مقام معظم رهبری در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۳۱ / ۶ / ۶۶).

مقام معظم رهبری با توجه به نقش کارتلها و تراست ها در نظام بین المللی سلطه می فرمایند: ((محور سلطه در دنیا، امروز دستگاههای بسیار خطرناک و بسیار بی رحمی

هستند که یک مجموعه کارتلها و تراست‌ها، بعضی شرکت‌ها و کمپانی‌های اقتصادی را در سرتاسر دنیا تشکیل می‌دهند): (بیانات در تاریخ ۲۴ / ۸ / ۱۳۷۹)

کمپانی‌ها و تراست‌ها و کارتل‌های بین‌المللی اصلاً چیزی که به فکرش نیستند و برای آن اندک احترامی قائل نیستند، حقوق ملت‌هاست، حقوق بشریت است ... در محاسبات ... آن شرکت جز سود برای خود و برای کمپانی و جیبهای پر نشدنی خودشان، محاسبه دیگری وجود ندارد. (بیانات در تاریخ ۱۶ / ۴ / ۱۳۸۳)

- مداخله نظامی و ابزارهای امنیتی:

یکی از مؤثرترین ابزارهای سلطه، تاسیس دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی است. استعمارگران برای حفظ دولت دست‌نشانده، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی به وجود می‌آورند تا هرگونه مخالفتی را سرکوب کنند. در ایران زمان شاه، «ساواک» نمونه بارزی از یک دستگاه اطلاعاتی و امنیتی است که به کمک آمریکا به وجود آمد تا بتواند رژیم بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را حفظ نماید. مؤلف کتاب سیاست خارجی آمریکا و شاه می‌گوید: «در ۱۹۵۶ (۱۳۳۵) شاه پس از مشورت با مقام‌های آمریکا تصمیم گرفت ... واحد اطلاعاتی را تجدید سازمان کند و گسترش دهد. سازمان جدید ساواک نام گرفت، که در کنار پلیس، ژاندارمری و نیروهای مسلح، یک جزء از چهارکن دستگاه سرکوب رژیم منحط پهلوی بود.

دستگاه‌های اطلاعاتی با حمایت و هدایت استعمارگران، اقداماتی انجام می‌دهند که در وهله اول باعث تحکیم رژیم دست‌نشانده می‌شود و سپس سلطه‌گران را بر بخش مهمی از اسرار کشور مسلط می‌سازند. حسن این دستگاه‌ها برای دشمن، آن است که هرگونه فریاد مخالفی را خفه کرده، راه را برای سرقت سرمایه‌های ملت باز و هموار می‌نماید.

«نفوذ در ارتش» از اقدامات دیگر نظام سلطه محسوب می‌شود. به این ترتیب که با تقویت ارتش از طریق معجز کردن آن به سلاح‌های نظامی پیچیده و خاصی که به کارگیری و تعمیر آن محتاج مستشاران خارجی و دانش و تخصص خاص است، و با تربیت رهبران

نظامی از سوی دیگر، ارتش و نیروهای مسلح کشور مورد نظر به عنوان وسیله ای کارآمد در جهت اهداف و مقاصد استعماری و سلطه جویانه آنان تبدیل می شود. نظام سلطه با ایجاد مراکز بحرانی و تشدید آن، درگیری های منطقه ای را گسترش داده، از آب گل آلود ماهی می گیرد.

استعمارگران، زمانی که ناچار شدند خاک مستعمرات خود را ترک نمایند، مرزهای جغرافیایی کشورهای مستعمره را بر اساس واقعیت های قومی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و ... تقسیم نکردند، تا برای بازگشت مجدد خود جای پای داشته باشند و بدین وسیله توانستند درگیری های منطقه ای را تشدید نموده، توسعه دهند و از آن به نفع خود سودجویی کنند. کودتا و ترور، دشمن را در کوتاه مدت به اهداف خود می رساند. تغییر دولت و حکومت و از میان برداشتن مسئولان نیز، یک شیوه معمول برای نظام سلطه جهانی است. اهمیت کودتا و ترور، که از شیوه های غیر مستقیم دخالت دشمن در خاک کشور دیگر محسوب می شود، به آن است که سلطه گران را از محاکمه مستقیم به وسیله افکار عمومی در داخل و خارج، در امان نگه می دارد؛ زیرا کودتاگران و ترور کنندگان خارجی بدون این که به صورت مستقیم قوانین بین المللی و یا قوانین مورد احترام کشورها را نقض نمایند، به اهداف خود می رسند. البته شکی نیست که اقدام به ترور و کودتا نوعی دخالت در امور داخلی کشورها به شمار می رود، اما اثبات این که کودتا توسط آمریکا انجام شده است، مشکل خواهد بود (گازپوروسکی، ۱۳۸۱).

امروز می بینید قدرت استکبار با چهره نظامی گرانه با زبان زور با دنیا حرف می زند حتی لعاب ضخیم تبلیغات فریبنده رسانه های غربی هم دیگر نمی توانند این چهره زشت زورمداری و قدرت طلبی را بپوشانند. (بیانات در تاریخ ۱۶ / ۴ / ۱۳۸۳)

دکترین سیاست خارجی مقام معظم رهبری

در دکترین سیاست خارجی آیت الله خامنه ای، امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است (بیانات رهبر انقلاب در استان اصفهان؛ ۲۵/۴/۱۳۶۸) و این نظام مسئول بدبختی ملت ها و

انسان‌ها در سراسر عالم است (بیانات رهبر انقلاب در کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی؛ ۱۲/۱۱/۱۳۶۸). نظام سلطه یعنی این که کسی در دنیا به اتکای سرنیزه و زور، قلدری کند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند (بیانات رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم سراسر کشور؛ ۶/۱۰/۱۳۶۸). این نظام که مانند اُختاپوسی خطرناک و مثل سرطان دنیا را گرفته است، (بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ۱۰/۸/۱۳۷۴) از دورانی که مسأله‌ی استعمار در دنیا شروع شد، یعنی از قرن نوزدهم سر کار آمد (بیانات رهبر انقلاب در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام؛ ۴/۴/۱۳۸۷). این نظام از دو رکن سلطه‌گر که همان ابرقدرت‌ها بوده و سلطه‌پذیر که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه‌ی ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند، تشکیل شده است (بیانات رهبر انقلاب در اصفهان؛ ۲۵/۴/۱۳۶۸).

در نظام باورها و اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، طرفین نظام سلطه مقصر بوده و جمهوری اسلامی ایران هر دو طرف را رد کرده و به مبارزه با این نظم می‌پردازد (بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان؛ ۱۰/۸/۱۳۶۸). طبق این دیدگاه هر جا اسلام باشد، رد ارکان نظام سلطه‌ی جهانی هم در آن جا هست. هر جا ساختاری اسلامی شکل بگیرد، ضدیت با ظلم و تجاوز و استعمار و استثمار و تحقیر مردم و ضدیت با بقیه‌ی ملامح و نشانه‌های نظام سلطه‌ی امروز دنیا نیز در آنجا هست. به همین خاطر است که جمهوری اسلامی با نظام کنونی سلطه و اقتدار در دنیا مخالف است (بیانات رهبر انقلاب در مازندران؛ ۲۲/۲/۱۳۶۹). بر این اساس باید گفت که اگر ملتی تسلیم سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ عالم شود، از دست رفته است. هر ملتی اگر حاضر شد از شرف ملی و اقتدار ملی و اراده‌ی ملی چشم‌پوشد، در وادی ضعف بی‌پایان و ورطه‌ای می‌فرزد که آخر آن معلوم نیست. هر دولتی که حاضر شد در مقابل خواست دستگاه یکپارچه‌ی سلطه‌ی جهانی تسلیم شود، بیش از گذشته محکوم به ضعف قرار گرفتن تحت سلطه و هضم شدن می‌شود (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۲۵/۴/۱۳۶۹).

در نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تسلط نظام سلطه نسبت به هر ملت و هر کشوری و در هر جایی مردود است، (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران؛ ۱/۵/۱۳۶۹) زیرا در این صورت منافع آن ملت نادیده گرفته شده (بیانات رهبر انقلاب در اراک؛ ۲۴/۸/۱۳۷۹) و هویت و عزتش نابود خواهد شد (بیانات رهبر انقلاب در عسلویه؛ ۸/۱/۱۳۹۰).

در سطح منطقه‌ای و کشورهای همسایه‌ی ایران مبارزه و مقاومت در برابر نفوذ و سلطه‌ی بیگانگان اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا در این حوزه ترتیبات مذکور دارای تأثیر و تأثر از یکدیگر بوده و وضعیت کشورهای همسایه به طور طبیعی از یک پیوستگی و گره خوردگی برخوردار است.

در برخورد با نظام سلطه، دو نوع رفتار از هم متمایز می‌شوند؛ یکی برخورد تسلیم و دیگری برخورد مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگویی تشویق می‌کند. تسلیم ملت‌ها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگویی‌های استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است. به همین جهت برای ملت‌ها یک راه حقیقی بیشتر باقی نمی‌ماند و آن مقاومت است (بیانات رهبر انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)؛ ۱۴/۳/۱۳۸۷) در مسیر مقاومت چنانچه دولت‌های اسلامی، دولت‌های جهان سوم و ملت‌ها قدر قدرت خودشان را بدانند، مهم‌ترین ابزار نظام سلطه که همان اخم کردن و تشر است، ناکارآمد خواهد شد. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار پرسنل نیروی هوایی؛ ۱۸/۱۱/۱۳۸۴) از این رو مبارزه با نظام سلطه از طریق شمشیر نیست، بلکه مبارزه‌ای به روش تحمل، کار حرفه‌ای سیاسی و شجاعت در میدان‌های لازم و متناسب با خودش است (بیانات رهبر انقلاب در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران؛ ۸/۶/۱۳۸۴).

بنابراین در دکترین آیت‌الله خامنه‌ای اساس سیاست خارجی این است که ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را به عنوان یک ستون مسأله در فضای سیاست

بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم و این فکر را در دنیا ترویج و منعکس نماییم (بیانات رهبر انقلاب در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور؛ ۲۵/۵/۱۳۸۳)

بر اساس این دیدگاه و با شناخت نقطه‌ی ثقل یا هسته‌ی مرکزی دکترین سیاست خارجی رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌توان گفت که ایشان به عنوان زعیم کشور و امت اسلامی، اساس و پایه‌ی رفتار خارجی دولت اسلامی را بر اساس ضدیت با نظام سلطه تعریف کرده و راه نجات ملت‌ها و برطرف شدن مصائب و گرفتاری‌های آنها را در پرتو این مبارزه و مقاومت در برابر جریان حاکم و رایج نظام سلطه در جهان قابل تحقق می‌دانند.

سطوح تقابل با نظام سلطه در دیدگاه مقام معظم رهبری

ضدیت با نظام سلطه در دکترین سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای در سه سطح منطقه‌ای، بلوک یا امت اسلامی و بین‌المللی، قابلیت به‌کارگیری دارد و ممکن است به همین ترتیب نیز از اولویت برخوردار باشد. در سطح منطقه‌ای و کشورهای همسایه‌ی ایران که به طور طبیعی حوزه‌ی نفوذ ژئوپولیتیک، امنیتی، اقتصادی، تمدنی و فرهنگی کشور به حساب می‌آیند، مبارزه و مقاومت در برابر نفوذ و سلطه‌ی بیگانگان اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا در این حوزه ترتیبات مذکور دارای تأثیر و تأثر از یکدیگر بوده و وضعیت کشورهای همسایه به طور طبیعی از یک پیوستگی و گره‌خوردگی برخوردار است.

در سطح بلوک یا امت و کشورهای جهان اسلامی نیز که از آنها به عنوان عمق اعتقادی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی یاد می‌کنند، ضدیت با نظام سلطه عاملی وحدت‌بخش و چاره‌ای برای برون‌رفت از مشکلات و عقب‌ماندگی‌های موجود به حساب می‌آید. از طرف دیگر این نفی با بازگشت ملت‌های مسلمان به هویت اصیل و اسلامی خود

همراه خواهد بود (دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی با رهبر انقلاب؛ ۹/۶/۱۳۹۰).

در سطح سوم که سطح بین‌المللی است، ایده‌ی ضدیت با سلطه، مخاطبان فرامنطقه‌ای و جهانی خود را پیدا کرده است و جمهوری اسلامی ایران بر اساس این دکترین به مطرح شدن یک فکر نو و یک راه نو در برابر بشریت و در سطح جهانی و معادلات کلان حاکم بر سیاست جهان مبادرت ورزیده است (بیانات رهبر انقلاب در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم؛ ۲۱/۳/۱۳۸۷) زیرا دیو مهیب و نفرت‌انگیز سلطه ملت‌ها را تهدید می‌کند؛ تهدیدی که فقط متوجه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران نیست و متوجه همه‌ی دنیا است، متوجه اصل و اساس انسانیت است (بیانات رهبر انقلاب در مراسم مشترک دانشگاه‌های افسری ارتش؛ ۳۰/۹/۱۳۸۴).

اقتدار سیاسی آن است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست جهانی حضور فعال داشته باشند، به آنها تحمیل سیاسی نشود، کسی نتواند به آنها زور بگوید و کسی نتواند در اوضاع سیاسی آنها دخالت کند.

رابطه‌ی اقتدار و ضدیت با نظام سلطه در دیدگاه مقام معظم رهبری

بر اساس آنچه از هسته‌ی مرکزی دکترین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه‌ی سیاست خارجی ذکر شد، می‌توان به فهم عمیق‌تر بیانات ایشان در دیدار با نخست‌وزیر عراق پرداخت. افزایش اقتدار یک کشور به منظور زورگویی به دیگران نیست، بلکه برای جلوگیری از زورگویی آنها است و این نیازمند ثروت است که از طریق علم حاصل می‌شود. برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی (بیانات رهبر انقلاب در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی؛ ۵/۶/۱۳۸۷). در نگاه ایشان هر چیزی که بتواند یک ملت را به استقلال و به اقتدار ملی و خط جوش و درون‌زا برساند، آن چیز

مبغوض مراکز قدرتی است که همه‌ی دنیا را تنها برای خودشان می‌خواهند و نظام سلطه این‌گونه است (بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۸۳/۸/۱۵).

بر اساس این دیدگاه، اقتدار سیاسی - که پایه‌ای از اقتدار ملی است - آن است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست جهانی حضور فعال داشته باشند، به آنها تحمیل سیاسی نشود، کسی نتواند به آنها زور بگوید و کسی نتواند در اوضاع سیاسی آنها دخالت کند (بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۸۰/۲/۲۸). البته بدیهی است که اقتدار ملی هر کشوری دارای زمینه‌های مختلف نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است و این زمینه‌ها از یک ارتباط و اتصال مفهومی با یکدیگر برخوردارند، اما در این‌جا تأکید بیشتر روی اقتدار سیاسی است. بر اساس آنچه درباره‌ی اقتدار بیان کردیم، به راحتی می‌توانیم به ارتباط مفهومی میان اقتدار سیاسی و استقلال هر کشور با مفهوم ضدیت با نظام سلطه پی ببریم. به بیان دیگر، مقاومت نسبت به نظام سلطه و مبارزه با آن از طریق افزایش اقتدار هر کشور و به‌ویژه اقتدار سیاسی محقق می‌شود. بنابراین این‌که رهبر معظم انقلاب تصریح می‌کنند که اقتدار روزافزون عراق موجبات خشنودی جمهوری اسلامی را فراهم می‌سازد، در چهارچوب دکترین ایشان در حوزه‌ی سیاسی خارجی و ضدیت با نظام سلطه و در سطح منطقه‌ای معنا و مفهوم می‌یابد. در واقع این دکترین مقوم اقتدار کشور عراق به عنوان همسایه‌ای مسلمان است تا ضمن در نظر گرفتن مصالح این کشور، مانع از نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر و مخصوصاً آمریکا در منطقه شود.

نقش مقام معظم رهبری در خیزش علیه نظام سلطه

محتوای دیدگاه‌های امام و رهبری در چهار عرصه بروز کرده است در سطح افکار، رفتار، ساختار و در سطح روابط که در خیزش علیه نظام سلطه قابل مشاهده است

(حشمت‌زاده، ۱۳۸۵). در سطح افکار، شعارها، نماین‌گر تأثیر اسلام در افکار مردم می‌باشد که باعث تغییر رفتار گسترده مردم شده است که این‌ها موجبات تغییرات ساختاری در حکومت، سیاست، اجتماع و فرهنگ را فراهم آورده است و در نتیجه به تغییر روابط با کشورهای سلطه‌گر خواهد انجامید. بیداری و خیزش علیه نظام سلطه سه ویژگی عام و یک ویژگی خاص و کلیدی دارد. ویژگی‌های عام عبارتند از: ۱. فراگیری ۲. چند مرکزی (مبتنی بر یک نقطه نیست) ۳. تداوم ویژگی خاص و کلیدی دیگر عبارتست از «دین‌مداری» که تعیین‌کننده آینده تحولات در جهان به خصوص جهان اسلام، خواهد شد (دکمجیان، ۱۳۸۳).

جهان‌بینی تأثیرگذار بر خیزش اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

۱. نگرش نسبت به اسلام (خدا محور)

نگرش به اسلام اصیل، افق‌های تازه‌ای به روی بیداری اسلامی باز کرده است. گفتمان اسلام یکی از کلیدی‌ترین نقش‌ها را در بیداری اسلامی ایفا می‌کند: «خوشبختانه امروز در سطح منطقه، گفتمان اسلام، گفتمان پیروی از معارف اسلامی و احکام اسلامی و شریعت اسلامی، شده گفتمان غالب» (بیانات مقام معظم رهبری در کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۸). اسلام تحول‌آفرین در دیدگاه رهبری با توجه به سه شاخص معنویت، عقلانیت و عدالت ارزیابی می‌شود و نیز با توجه به اصول و مبانی خود با اسلام متحجر و اسلام لیبرال تفاوت‌های اساسی پیدا می‌کند: «ما از اسلام دفاع می‌کنیم. اما منظور ما از اسلام چیست؟ اسلام ما با اسلام متحجر از یک‌سو و اسلام لیبرال از سوی دیگر، در اصول و مبانی کاملاً متفاوت است. ما هم این را رد می‌کنیم و هم آن را. اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت؛ این سه شاخص عمده در آن هست. ما از معنویت به هیچ عنوان صرف‌نظر نمی‌کنیم؛ روح و اساس کار ما معنویت است. عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار ماست؛ عقل را به کار می‌گیریم...» (حدیث ولایت، ۱۳۸۳) نوع نگرش به اسلام، در ایجاد

رویکرد تحولی نسبت به انسان و جامعه، به شناخت و معرفت نوینی می‌انجامد که از نظر زیربنایی با آنچه به عنوان معرفت در غرب اتفاق افتاده است در تضاد است. «نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شده...» (حدیث ولایت، ۱۳۸۳) از دیدگاه مقام معظم رهبری اسلام تحول آفرین، به عنوان یکی از عامل‌های کلیدی تغییر و تحولات آینده و از جمله بیداری و خیزش علیه نظام سلطه خواهد بود.

۲. نگرش نسبت به انسان (تحول فردی اساس تحول و خیزش)

انسان‌شناسی اسلامی یکی از مبانی و ارکان فلسفه نظام سیاسی اسلام می‌باشد (حاجی صادقی، ۱۳۸۸). از دیدگاه رهبری برجستگی‌های فکری و علمی یک جامعه، باید در خدمت تعالی انسان باشد: «برجستگی‌های یک جامعه در زمینه‌های ذهنی و فکری و علمی باید در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان کرمانشاه، ۱۳۹۰ / ۷ / ۲۶). ایشان با تبیین نگاه فلسفی - اسلامی نسبت به انسان به بیان تفاوت‌های اساسی نگرش اسلامی و غربی در نگاه به انسان می‌پردازند: «... انسان در الگو و نگاه اسلامی موجودی است هم طبیعی و هم الهی؛ دو بُعدی است؛ اما در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت‌جویی، کام‌جویی، بهره‌مندی از لذات زندگی دنیاست، که محور پیشرفت و توسعه در غرب است؛ انسان سودمحور. اما در جهان‌بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم، وسیله‌اند برای تعالی انسان...» (حدیث ولایت، ۱۳۸۶) از دیدگاه رهبری، نگرش اسلام به انسان از دو زاویه قابل بررسی می‌باشد: ۱. نگاه به انسان به عنوان فرد ۲. نگاه به انسان به عنوان یک کل و مجموعه‌ای از انسان‌ها (حدیث ولایت، ۱۳۸۶).

ایشان در توضیح نگرش اولیه اسلام به انسان می‌فرمایند: «... در یک جمله‌ی کوتاه می‌شود گفت این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی. انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند... مسئولیت فرد انسان در این نگاه، این است که این مسیر را طی کند. یکایک ما مخاطب به این خطاب هستیم... وظیفه‌ی هر فردی به عنوان یک فرد این است که در این راه حرکت کند...» (حدیث ولایت، ۱۳۸۶) نگرش ثانویه اسلام به انسان عبارتست از: «در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه‌ی خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه‌ی دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه‌ی مدیریت دنیا. دنیا را باید آباد کند... یعنی انسان در این نگاه دوم، وظیفه دارد استعدادهای درونی انسان را استخراج کند؛ خرد انسانی، حکمت انسانی، دانش انسانی و توانایی‌های عجیبی که در وجود روان انسان گذاشته شده، که انسان را به یک موجود مقتدر تبدیل می‌کند. این هم نگاه کلان است...» (حدیث ولایت، ۱۳۸۶) نگرش اسلام به انسان (نگاه خرد و نگاه کلان) در زمینه سازی ایجاد تحول و تغییر و تکامل، دارای نقش اساسی و تأثیرگذار می‌باشد. (همان) بیداری و تحول فردی - اسلامی، مقدمه‌ای برای تحول اجتماعی به حساب می‌آید. که بیداری اسلامی نمود بارز آن است. خیزش‌ها و انقلاب‌ها علیه نظام سلطه یکی از نتایج تحول انسانی - اسلامی محسوب می‌شود که برای بشر «سنت لایتغیر الهی» است. که عزم انسان رقم زننده تمامی تحولات و خیزش علیه نظام سلطه خواهد بود (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان ۱۸/۰۸/۱۳۸۵).

۳. نگرش نسبت به جامعه (تحول اجتماعی)

در اندیشه مقام معظم رهبری بعد از اینکه فرد خود را متحول کرد قدمی اساسی به سوی بیداری اجتماعی برخواهد داشت. تحول اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری دارای شرایط و ویژگی‌های خاصی است. اگر بخواهیم بیداری اسلامی را تشریح و تبیین کنیم باید به تحلیل واژگانی ایشان از تحول، رکود، ثبات و آنارشیزم (هرج و مرج)، دقت کرد. ویژگی‌های و شاخص‌های جامعه متحول از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:

۱. ضرورت تحول اجتماعی و عدم مقابله با آن
 ۲. تحول در مقابل رکود اجتماعی قرار می‌گیرد. «... نقطه‌ی مقابل تحول، رکود است.»
 ۳. فرق رکود اجتماعی با ثبات اجتماعی بعضی‌ها این دو را باهم اشتباه می‌گیرند. (یعنی رکود را همان ثبات اجتماعی لحاظ می‌کنند.) «بعضی این‌ها را غلط می‌فهمند و اشتباه معنا می‌کنند. بعضی رکود را با ثبات اجتماعی اشتباه می‌کنند. رکود، بد است؛ ثبات اجتماعی خوب است. بعضی خیال می‌کنند که رکود یعنی ثبات اجتماعی.»
 ۴. فرق تحول اجتماعی با آنارشسیسم (بعضی‌ها تحول را با آنارشسیسم و هرج و مرج طلبی اشتباه می‌گیرند. «تحول را هم بعضی با آنارشسیسم و هرج و مرج و هر چی به هر چی بودن، اشتباه می‌کنند. این اشتباهات موجب شده است که یک عده‌ای که طرفدار ثبات اجتماعی‌اند، با هر تحولی مخالفت کنند؛ به خیال اینکه این تحول، ثبات را به هم می‌زند. از طرف دیگر، کسانی که خیال می‌کنند هر تحولی به معنای ساختار شکنی و شالوده‌شکنی و زیر سؤال بردن همه‌ی اصالت‌هاست.»
 ۵. تحول‌طلبی اجتماعی با حفظ ریشه‌ها و اصالت‌ها (هویت ملی - اسلامی) اساس تحول و پیشرفت در جوامع اسلامی به واسطه تعالیم اسلامی صورت می‌پذیرد (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸).
- بنابراین تحولی که از دیدگاه مقام معظم رهبری در کشورهای اسلامی به وجود آمده است در نتیجه به تحولی اساسی در زمینه نگرش به تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر خواهد شد که با نگاه نو به اسلام اصیل صورت می‌پذیرد. که در آن معنویت، معرفت الهی، انسان دوستی و عواطف بشری با نگاه اسلامی پایه و اساس پیشرفت در جوامع اسلامی را تشکیل خواهد داد.

موضع جمهوری اسلامی در برابر نظام سلطه در دیدگاه رهبری:
گفتمان نظام اسلامی؛ نابودی سلطه

گفتمان اسلامی، طرف دار عدالت است، طرف دار آزادی بشر است، طرف دار از بین رفتن زمینه‌های استکبار و استعمار است، طرف دار نابودی نظام سلطه در همه‌ی جهان است؛ یعنی در دنیا دو جناح سلطه‌گر و سلطه‌پذیر وجود نداشته باشد؛ این گفتمان نظام اسلامی است؛ (حدیث ولایت، ۳۰/۰۲/۱۳۹۴).

فریاد و افشاگری علیه ظلم و سلطه

امروز صحنه‌ی عظیم دنیا این‌جوری است؛ قدرتهای مستکبر در یک طرف قرار گرفته‌اند، با همان توانهای مادی‌ای که دارند، با اربابی که میکنند، با هیتی که از خودشان نشان میدهند و دیگران را مقهور هیبت خودشان میکنند، اینها یک طرفند؛ بعضی از دولتهای ضعیف هم هستند که جرئت بروز و ظهور ندارند؛ در میان اینها یک جا هم هست که با صدای رسا دارد این وضعیّت را محکوم میکند و آن جمهوری اسلامی است. امروز جمهوری اسلامی با صدای رسا، بدون بیم، بدون اینکه از تهدید دشمن بترسد و مرعوب دشمن بشود، دارد علیه ظلم، علیه سلطه، علیه استثمار و استکبار فریاد میکشد و این را ملت‌ها دارند می‌شنوند و تحت تأثیر قرار میگیرند. (حدیث ولایت، ۱۲/۰۸/۱۳۹۴).

ایستادگی بر مواضع بر حقّ اسلامی در مخالفت با نظام سلطه و استکبار، ایستادگی در برابر زیاده‌طلبی و دست‌اندازی به ملت‌های ضعیف، افشای حمایت آمریکا از دیکتاتوری‌های قرون وسطائی و سرکوب ملت‌های مستقل، دفاع بی‌وقفه از ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت میهنی، فریاد منطقی و دنیاپسند بر سر رژیم غاصب صهیونیست، قلم‌های عمده‌ای را تشکیل میدهند که دشمنی رژیم ایالات متّحده‌ی آمریکا را بر ضدّ جمهوری اسلامی، برای آنان اجتناب‌ناپذیر کرده است؛ (حدیث ولایت، ۲۹/۰۷/۱۳۹۴).

دعوی اصلی با جمهوری اسلامی؛ عدم پذیرش نظام سلطه‌گر سلطه‌پذیر

دعوی با جمهوری اسلامی این است که این، نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته؛ سلطه‌گر که نیست، خودش را از سلطه‌پذیری هم بیرون آورده و پای این حرف ایستاده. اگر ایران موفق شد و پیشرفت پیدا کرد - پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی - نشان داده میشود به ملت‌ها که میتوان سلطه‌پذیر نبود و روی پای خود ایستاد و پیشرفت کرد. نمیخواهند این اتفاق بیفتد؛ همه‌ی دعوها سر این است، بقیه‌ی حرف‌ها بهانه است. (حدیث ولایت، ۲۰/۰۴/۱۳۹۴).

تولید علم و تقویت ایمان

اگر می‌بینید جمهوری اسلامی که حرکت نظامی سلطه را در همه‌ی مدارهای آن با مشکل مواجه کرده و نظام سلطه‌ی جهانی را به چالش طلبیده ... راز آن در همین تولید علم و ایمان است. علم و ایمان را در خودتان تقویت کنید. (حدیث ولایت، ۲۲/۰۷/۱۳۸۳).

مبارزه‌ی دائمی

مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است. یعنی اگر مبارزه‌ی با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه‌ی با استکبار که تمام نمیشود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتمّ مصادیق استکبار است. ... خودتان را آماده کنید برای ادامه‌ی مبارزه‌ی با استکبار. (حدیث ولایت، ۲۰/۰۴/۱۳۹۴).

حفظ شعارهای ضد آمریکایی

شعارهای ضد آمریکایی، شعارهای ضد غربی، شعارهای ضد استکبار در کشور ما، ناظر به این حقیقت [سیاست کلان نظام سلطه مبنی بر بردگی ملت‌ها] است. یک عده‌ای بمجرد اینکه شعار ضد غربی یا ضد آمریکایی می‌شنوند، فوراً تصورشان این نباشد که یک کار

تعصب‌آمیز یا بدون یک منطق فکری دارد انجام میگیرد؛ نه، این نگاه ضد غربی و ضد آمریکایی در انقلاب اسلامی، متکی است به یک تجربه‌ی درست، به یک نگاه عقلانی درست، به یک محاسبه‌ی صحیح. (حدیث ولایت، ۱۳۹۳/۰۵/۰۱)

قدرت ملی ایران در برابر نظام سلطه

محور اصلی چالش‌های کنونی نظام سلطه با ایران که در قالب طرح استراتژی جدید امریکا با سخنان اخیر (۱۳۹۶/۷/۲۱) ترامپ علیه ایران مطرح شد و البته همنوایی برخی از کشورهای اروپایی و کشورهای منطقه را با خود داشته است، برخلاف ظاهر آن که ابراز نگرانی از دستیابی ایران به توان تولید بمب هسته‌ای است، چالشی مفهومی و ادراکی با هدف مهار عناصر اصلی اقتدار نظام اسلامی و تغییر محاسبات مسئولان است، تا از آن طریق بتوانند با تغییر ماهیت نظام اسلامی زمینه تغییر بنیادین آن را فراهم آورند. اکنون و بعد از گذر از چهار دهه از عمر انقلاب تقابل نظام سلطه با نظام اسلامی پیچیده‌تر شده و عرصه مواجهه نه میدان درگیری نظامی و یا امنیتی، بلکه تلاش دشمن بر این است که با زمینه‌سازی برای «مذاکره» از بستر آن بتواند مؤلفه‌های اقتدار نظام را مهار و به نوعی با دوگانه‌سازی و مشروعیت‌زدایی از نظام در داخل، زمینه تسلیم و تمکین به اراده دشمن را فراهم آورد. اما به رغم خواست و اراده دشمن، آنچه شاید زمینه امیدواری آنها و به ویژه پس از مذاکرات هسته‌ای را ایجاد کرده است نوع و نگاه و باور برخی مسئولان به ظرفیت‌ها و عناصر و مؤلفه‌های اقتدار نظام اسلامی و توانمندی‌های ما است و همین امر سبب برآورد آنها نسبت به ناتوانی در ادامه مقاومت و نهایتاً تمکین به حرکت در ریل و مسیر طراحی شده دشمنان است. این نگاه اگر چه این روزها به دلیل دستاوردهای نیروهای مقاومت در منطقه و شکست‌های استکبار و متحدان منطقه‌ای‌اش تعدیل شده است، اما به نظر می‌آید که این عناصر و مسیر آن در عبور از گردنه‌های حساس انقلاب باید بازخوانی شود (حاجی نجاری، ۱۳۹۶).

مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان و استعداد‌های برتر علمی، بخش اعظم سخنان خود را به بازخوانی مؤلفه‌ها و عناصر قدرت ایران اختصاص داده و با برشماری برخی از آنها نظیر توان علمی، قدرت موشکی و ظرفیت‌های درون‌زای اقتصادی کشور و تأکید بر تقویت آنها تلاش کردند عرصه‌های دیگری را در پیش روی نخبگان و استعداد‌های برتر و مسئولان نظام بگشایند و آنها را برای مواجهه قدرتمندانه‌تر در عرصه‌های تقابل دشمن با نظام تحریض کنند چرا که تجربه نشان داده است که آنها، استراتژی‌ها و تاکتیک‌های خود را متناسب با واکنش‌های ما تنظیم می‌کنند. آنچه امریکا و کشورهای غربی را به پیگیری مذاکره بر سر قدرت موشکی یا نفوذ منطقه‌ای ایران امیدوار کرده، تجربه مذاکرات هسته‌ای و دستاوردهای آن برایشان است که نه تنها حاضر به پاره کردن آن نیستند، بلکه از تأکید بر اینکه منافع آنها را تأمین می‌کند ابایی ندارند و البته با استمرار فشارها بنا بر تعمیم آن دارند. تجربه برجام و بازخوانی فرازهای گذشته تاریخ انقلاب و ظرفیت‌های نوینی که پیروزی‌های مقاومت برای نظام اسلامی ایجاد کرده، باید به نقطه آغازی برای تغییر استراتژی نظام در مواجهه با روند فزون‌خواهی‌های نظام سلطه و تغییر محاسبات آنها در مواجهه با مردم ایران تبدیل شود. در این میان اتکا به ظرفیت‌های درونی و اقتصاد مقاومتی، حفظ و تقویت روحیه انقلابی، میدان دادن به نیروهای جوان مؤمن و انقلابی در عرصه‌های مختلف، دفاع قدرتمندانه از گفتمان اصیل امام و انقلاب، تغییر نگاه و باور به قدرت‌های سلطه، تقویت وحدت و انسجام درونی، تلاش واقعی برای حل مسائل و مشکلات مردم و در عین حال سرمایه‌گذاری برای تقویت قدرت نظامی و موشکی، گوشه‌هایی از آن است (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۷/۲۶).

نتیجه‌گیری

با وقوع انقلاب اسلامی و ظهور امام خمینی (ره) به عنوان یکی از چهره‌های دگرگون‌ساز و تحول‌برانگیز جهان که با ارائه اسلام اصیل با رویکرد نوین و باز تعریف مجدد آن، در بازگرداندن قدرت اسلام به صحنه جهانی موفق عمل کرد. با این حرکت، نظام سلطه جهانی، دچار زلزله شدیدی شد که نمودها و آثار حرکت سیاسی-اجتماعی امام خمینی (ره) تاکنون باقی مانده است و الگویی برای خیزش علیه نظام سلطه جهانی شده است.

دیدگاه مقام معظم رهبری علاوه بر اینکه در راستا و ادامه دهنده راهبردهای امام خمینی (ره) بوده است با ارائه موضوعات جدید و با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، رویکرد نوینی از کارآیی اسلام سیاسی را نشان داد. دیدگاه‌های ایشان، نقش اساسی در روند تحول و تغییر فرد و جامعه ایفا می‌کند تحول و تغییری که تأثیر بسزایی در خیزش علیه نظام سلطه جهانی داشته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان عالی‌ترین مقام در ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی و همچنین به عنوان زعیم امت اسلامی، از یک دکترین مشخص در سیاست خارجی بهره‌مند هستند که ضدیت با نظام سلطه در کانون این دکترین ایشان قرار می‌گیرد. از این رو هر مؤلفه‌ی دیگری که بتواند به تقویت راهبرد ضدیت با نظام سلطه کمک کند، در چهارچوب این دکترین قابل تعریف است. تقویت اقتدار و استقلال سیاسی کشورها که خود در گرو تقویت بنیان‌های علمی و به دنبال آن پیشرفت‌های اقتصادی است، به عنوان مفاهیم مرتبط با ضدیت با نظام سلطه تعریف شده و جایگاه روشنی در دکترین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت حمایت معنوی و استقلال جمهوری اسلامی ایران از اقتدار و استقلال سیاسی کشورها در سه سطح منطقه‌ای، بلوک اسلامی و بین‌المللی با توجه به این دکترین صورت می‌پذیرد؛ دکترینی که به هم‌ریختن مناسبات سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی در نظام بین‌المللی را هدف قرار داده و به دنبال استقلال سیاسی و افزایش اقتدار غیر تهدیدآمیز دیگر کشورها و تعامل با آنان بر پایه‌ی مصالح و منافع کشور با در نظر گرفتن اصول سه‌گانه‌ی عزت، حکمت و مصلحت است.

منابع

(۱) الهی، همایون (۱۳۸۷). **امپریالیسم و عقب ماندگی**، تهران: اندیشه.

- ۲) بیانات مقام معظم رهبری در مراسم افتتاحیه مرکز فرستنده رادیویی بعثت، کمال آباد کرج، ۶۳/۶/۸.
- ۳) اسیت، داتا (۱۳۸۸). تجارت بین الملل و گرسنگی، ترجمه همایون الهی، تهران: اندیشه.
- ۴) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۶۸/۸/۱۰.
- ۵) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۶۸/۳/۱۸.
- ۶) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۷.
- ۷) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۷.
- ۸) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۷.
- ۹) بیانات مقام معظم رهبری در جمع نمازگزاران جمعه در مصلاي گناباد، ۶۴/۶/۸.
- ۱۰) بیانات مقام معظم رهبری در مراسم گشایش اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۶۹/۹/۱۸.
- ۱۱) بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم اراک؛ ۱۳۷۹/۸/۲۴.
- ۱۲) بیانات مقام معظم رهبری در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم؛ ۱۳۸۷/۳/۲۱.
- ۱۳) بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه؛ ۱۳۹۰/۱/۸.
- ۱۴) بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۸۰/۲/۲۸.
- ۱۵) بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۸۳/۸/۱۵.
- ۱۶) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم سراسر کشور؛ ۱۳۶۸/۱۰/۶.
- ۱۷) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی؛ ۱۳۶۸/۱۱/۱۲.

- ۱۸) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۶۹/۴/۲۵
- ۱۹) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۶۹/۵/۱
- ۲۰) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پرسنل نیروی هوایی؛ ۱۳۸۴/۱۱/۱۸
- ۲۱) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ۱۳۷۴/۸/۱۰
- ۲۲) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان؛ ۱۳۶۸/۸/۱۰
- ۲۳) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیون و ائمه‌ی جمعه و جماعات استان مازندران؛ ۲۲/۲/۱۳۶۹
- ۲۴) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران؛ ۱۳۸۴/۶/۸
- ۲۵) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام؛ ۱۳۸۷/۴/۴
- ۲۶) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور؛ ۱۳۸۳/۵/۲۵
- ۲۷) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی؛ ۱۳۸۷/۶/۵
- ۲۸) بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت روحانیون و اقشار مختلف مردم استان اصفهان؛ ۱۳۶۸/۴/۲۵
- ۲۹) بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت روحانیون و اقشار مختلف مردم استان اصفهان؛ ۱۳۶۸/۴/۲۵

- ۳۰) بیانات مقام معظم رهبری در مراسم مشترک دانشگاه‌های افسری ارتش؛ ۱۳۸۴/۹/۳۰
- ۳۱) بیانات مقام معظم رهبری در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)؛ ۱۳۸۷/۳/۱۴
- ۳۲) بیانات مقام معظم رهبری در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه اسلامی، ۹ / ۱۱ / ۶۵.
- ۳۳) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱ / ۹ / ۶۷.
- ۳۴) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۲ / ۱۱ / ۶۸.
- ۳۵) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۴ / ۴ / ۶۸.
- ۳۶) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۶ / ۴ / ۱۳۸۳.
- ۳۷) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۲ / ۱۱ / ۶۹.
- ۳۸) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۴ / ۸ / ۱۳۷۹.
- ۳۹) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۵ / ۴ / ۶۸.
- ۴۰) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۵ / ۴ / ۶۸.
- ۴۱) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۸ / ۱۱ / ۸۰.
- ۴۲) بیانات مقام معظم رهبری در حدیث ولایت ج ۹.
- ۴۳) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی، ۲۲ / ۲ / ۸۲.
- ۴۴) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۵ / ۱۱ / ۷۶.
- ۴۵) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای هیأت علمی و کارشناسان جهاد سازندگی، ۴ / ۱ / ۸۳.
- ۴۶) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۳۰ / ۷ / ۸۱.

- ۴۷) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانش‌جویان در آستانه سیزدهم آبان و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، ۷۵ / ۸ / ۹.
- ۴۸) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان در آستانه ۱۳ آبان، ۱۳۸۲ / ۸ / ۱۰.
- ۴۹) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان سراسر کشور در مشهد، ۱۳۷۵ / ۵ / ۲۰.
- ۵۰) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سیزده آبان روز ملی مبارزه با استکبار، ۱۳۷۰ / ۸ / ۱۵.
- ۵۱) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و جمعی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۷۰ / ۱۱ / ۱۸.
- ۵۲) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم طبرستان، ۶۷ / ۶ / ۳.
- ۵۳) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و روحانیون قزوین، ۱۳۶۴ / ۴ / ۱۱.
- ۵۴) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ، ۶۸ / ۴ / ۲۵.
- ۵۵) بیانات مقام معظم رهبری در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۶۶ / ۶ / ۳۱.
- ۵۶) بیانات مقام معظم رهبری در دانشکده افسری امام علی (ع)، ۱۳۸۱ / ۸ / ۷.
- ۵۷) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولین استان کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۰ / ۷ / ۲۸.
- ۵۸) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان و استعداد‌های برتر علمی، روز چهارشنبه ۱۳۹۶ / ۷ / ۲۶.
- ۵۹) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان کرمانشاه ۱۳۹۰ / ۷ / ۲۶.
- ۶۰) بیرکی، علی دادستان (۱۳۸۱). سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۶۱) حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۸). مبانی فلسفه سیاسی اسلام از کتاب اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، قم: زمزم هدایت.

- ۶۲) حاجی نجاری، عباس (۱۳۹۶). **عناصر قدرت ملی و معرکه چالش با نظام سلطه**، روزنامه جوان؛ ۲۹ مهر، کد خبر: ۷۳۹۰۴۳.
- ۶۳) حدیث ولایت، بیانات (۱۳۸۶). **مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری (مجموعه نور)**، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، بی تا.
- ۶۴) حدیث ولایت، بیانات (۱۳۸۳). **مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری (مجموعه نور)**، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، بی تا.
- ۶۵) حشمت‌زاده، محمد باقر (۱۳۸۵). **تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۶۶) **بیانات در جمع انجمن اسلامی معلمان سراسر کشور**، ۶/۶/۶۲.
- ۶۷) دکمجان، هرایر (۱۳۸۳). **اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب**، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۶۸) **دیدار با دانشجویان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸**
- ۶۹) **دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی با رهبر انقلاب**؛ ۹/۶/۱۳۹۰
- ۷۰) ذو‌علم، علی (۱۳۸۵). **نظریه تحول در اسلام**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
- ۷۱) علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۸). **فرهنگ روابط بین‌الملل**، تهران: وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.
- ۷۲) **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**
- ۷۳) مارک، ج گازیوروسکی (۱۳۸۱). **سیاست خارجی آمریکا و شاه**، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
- ۷۴) محمدی، منوچهر (۱۳۸۸). «برخورد تمدن‌ها یا برخورد با نظام سلطه» **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال پنجم، شماره ۱۶.
- ۷۵) موسوی خمینی، امام سید روح اله (۱۳۷۷). **صحیفه امام**، ج ۶، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۷۶) موسوی خمینی، امام سید روح‌الله، **تحریر الوسيله**.

۷۷) موسوی خمینی، امام سید روح‌الله (۱۳۷۸). **صحیفه امام**، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۷۸) هریمگداف، تام کمپ (۱۳۸۹). **امپریالیسم (تنوری، تاریخ، جهان اسلام)**، ترجمه هوشنگ مقتدر، تهران: کویر.